

نقش جهان اسلام در دانش فرهنگ نویسی

نمایشگاههای هنرهای بصری، سمینارها و کنگره های بسیار نیز در خدمت این هدف فعالیت دارند. دانشگاهها با بررسی خصوصیات تکاملی و روانی کودکان به این مهم توجه دارند. کتابهای کودکان بخش عمده ای از واردات کتاب را تشکیل می دهد. علی رغم تعداد کم چاپخانه های رنگی که امکاناتشان عمدتاً به نشر کتابهای آموزشی اختصاص دارد ۲/۵ میلیون نسخه کتاب برای کودکان و نوجوانان در ۱۹۷۲ منتشر شده است.

آموزش و کارورزی

تا قبل از انقلاب، کتابفروشان معدود کوبائی صرفاً فروشنده تلقی می شدند ولی امروز تعداد این کتابفروشان به هزاران نفر رسیده است. بیشترین درصد این گروه را زنانی با میزان تحصیلات پائین که کلاسهای کارورزی خاص را گذرانده اند تشکیل می دهد. در محدوده سوادآموزی بزرگسالان، بسیاری از کارگران ماهر و غیرماهر و کارکنان رشته های گوناگون خدمات و صنعت در کلاسهای کارآموزی و پیگیری دانشکده دهقانان و کارگران، دوره های دانشگاهی خاص شاغلین و یا دوره های زبان آموزی شرکت کرده اند. علاوه بر این گونه دوره های آموزشی که طبعاً کتابفروشان را نیز شامل شده است از سوی «انستیتوی کتاب کوبا» سخنرانها و سمینارها و کلاسهای کارورزی متعددی در زمینه کتاب و مسائل مربوط به آن برگزار شده و نیز مطالب بسیاری در زمینه های مربوط به این مسأله از قبیل تولید کتاب، تکنیکهای گرافیک و نقد ادبی و غیره چاپ و منتشر شده است. دوره های خاص کتابفروشان تا قبل از ۱۹۷۲ که انستیتوی نامبرده برگزاری آنها را عهده دار شد توسط کتابخانه ملی اداره می شد. هدف از این دوره ها بطور خلاصه این است که کتابفروش طی آن کتابفروشی را به عنوان حرفه ای فرهنگی شناخته و روش کمک به خواننده، دریافتن کتاب مورد نظر و نحوه ترغیب خوانندگان بالقوه به کتاب خریدن و کتاب خواندن را بیاموزد.

پیش درآمد

تاریخ فرهنگنویسی در حقیقت تاریخ «آزمایش و اشتباه» است، اما فرهنگنویسی تقریباً به اندازه خود نویسندگی قدمت دارد. نوشته های سومریان روی لوحه های سفالی احتمالاً اولین واژه نامه های طبقه بندی شده است. ورود سریانیان به بابل، حرکت فرهنگنویسی را آهنگی سریعتر بخشید. در واقع نخستین اندیشه فرهنگ نویسی در حدود يك هزار سال پیش از میلاد مسیح علیه السلام رو به رشد نهاد. اولین مقاله به زبان چینی ممکن است به اندازه مقاله آشوریان قدمت داشته باشد. اما تعریف منظم تعداد کثیری از نشانه های زبان چینی یعنی «اره یا» بود که تاریخ تدوین آن را می توان بین ۲۰۰ پیش از میلاد و سال میلاد تعیین کرد. در حقیقت این اولین واژه نامه طبقه بندی شده بود. قدیمترین فرهنگ موجود، همان شوون^۱ به زبان چینی، تألیف «هوشن»^۲ در قرن اول میلادی است. فرهنگ مذکور شامل رساله های دستوری بود و با فرهنگنویسی اولیه عربی، که کمکی به درک و فهم قرآن و حدیث به شمار می آمد، نزدیکی زیادی داشت. در مراحل بعدی الفبای چینی که از لحاظ آوایی و بدون توجه به صورت کتبی آنها دسته بندی شده بود، در نوع چینی فرهنگنویسی شمول یافت. بی گمان، راهبان بودایی آنها را به همان نحوی که زبان هندی، بر خلیل تأثیر گذارده بود، تحت تأثیر خود قرار دادند.

همزمان با تولد حضرت مسیح، علیه السلام، فرهنگنویسی دستوری در دو زبان سانسکریت و یونانی استعلا گرفت. اولین کسی که واژه ها را بر مبنای اندیشه های فلسفی تقسیم کرد،

نوشته: دکتر ج. ف. اخیدیمه

ترجمه حکیم الدین قریشی

از مجله Islamic Culture، چاپ حیدر آباد هند (دوره ۵۳، شماره ۱)

«آرستارخوس ساموترات»^۱ (۱۴۵-۲۲۰ ق. م.) در یونان بود که کلمات را به هشت قسم تقسیم کرد. این کار آرستارخوس می‌بایست در آینده در زبانهای لاتینی و عربی تأثیری نهاده باشد. رومیان اندیشهٔ زبانشناسی خود را از یونانیان گرفتند اما با بررسی آثار موجود به نظر می‌رسد که آنها فرهنگ الفبایی را تدوین نکردند. بزرگترین یادگار فرهنگ نویسی لاتین-زبان لاتین-تألیف «ورو»^۲ (۱۱۶-۲۷ ق. م.) است که در آن واژه‌ها مورد بحث قرار گرفته‌اند، اما باز این يك فرهنگ نیست.

فرهنگنویسی عرب

در زبان عربی، تصویری کاملاً روشن از روند تجربه اندوزی در دسترس ما قرار دارد. در مرحلهٔ اول، واژه‌نامه‌هایی با دامنهٔ محدود و ترتیب مشخص تدوین گردید. فرهنگهای کامل بر حسب يك ترتیب الفبایی مبتکرانه بر مبنای اصول آوایی و بر اساس قلب و اعلال نگاشته شده و ریشه‌ها بر طبق تعداد حروف تشکیل دهندهٔ خود از یکدیگر جدا شده بود. در مرحلهٔ بعدی، ریشه‌ها به ترتیب قافیه، یعنی بر حسب حروف نهایی بی‌صدای خود قرار گرفتند. این نکته قابل ذکر است که تقریباً از همان بدو تدوین فرهنگها، هدف فرهنگنویسان عرب زبان این بوده است که همهٔ اندوختهٔ لغوی زبان را ثبت کنند. در واقع وسعت و جامعیت زبان، ذهن ایشان را که از جامعیتی ریاضی‌وار برخوردار بود مسحور خود کرده بود.

در قرون وسطی، زبان عربی بسرعت مانند زبان لاتین در اروپای غربی، به صورت زبان دین و دولت درآمد و از این رو، شگفت آور نبود که ناآشنایی کلی به زبان کتبی-زبان قرآن کریم، حدیث و شعر دوران جاهلیت-اغلب مایهٔ تأسف به شمار می‌آمد و نیازی مبرم به فرهنگها و کتب نحوی احساس می‌شد.

فرهنگنامه‌ها بر سه نوع اصلی است: فرهنگ، واژه‌نامهٔ عمومی طبقه بندی شده، و واژگان مختصر تخصصی. مسلمانان در تدوین هر سه نوع بر دیگران تفوق داشتند. فرهنگهای دو زبانی عربی در جهان نادر بود و استثنای عمده، فرهنگ عربی-فارسی زمخشری (متوفی ۵۳۸ ه. ق. / ۱۱۴۴ م.) است. تألیف واژه‌نامهٔ عمومی طبقه بندی شده که می‌توان آن را فرهنگ مترادفات نامید، با تألیف المخصص ابن سیده (متوفی ۴۵۸ ه. ق. / ۱۰۶۶ م.) به اوج کمال و مهارت خود رسید. البته [در این زمینه] ادب الکاتب ابن قتیبه و فقه اللغةٔ ثعالبی از قدمت برخوردارند. نویسندگان قرون وسطای مسلمان تقریباً در این خصوص

اجماع کلی دارند که اولین لغوی زبان عرب ابوالأسود دوثلی (متوفی ۶۹ ه. ق. / ۶۸۸ م.) بوده است. نام ابوالأسود به عنوان [پایه‌گذار علم نحو و] لغوی ثبت شده است. مطالعات وی به دو علم جدا از هم تقسیم گشته که عبارت است از نحو و لغت. در هر دو زمینهٔ همزاد، در اواخر قرن هشتم میلادی دو اثر بسیار مهم: کتاب العین تألیف خلیل بن احمد در لغت و الکتاب نگارش سبویه (متوفی ۱۸۰ ه. ق. / ۷۹۶ م.) در علم نحو به وجود آمد. باری، شهرت آنان به دلیل اطلاعات فراوانشان در زمینهٔ غرائب به ویژه غرائب القرآن یا برجاست.

اینجا بازگویی این مطلب کافی است که همهٔ آن آثار زبانشناسی که پیش از زمان خلیل به وجود آمده بود، صورت تدریس شفاهی به خود گرفت، همان گونه که همهٔ آنچه در زمینهٔ نحو به رشتهٔ تحریر درآمده بود، تحت الشعاع الکتاب واقع گشت. در آثار مذکور نه تنها لغت از نحو جدا شده بلکه صورتهای آیندهٔ آثار عمدهٔ دو رشته نیز مشخص و معین گردید. نحویان ترتیب مطالب الکتاب سبویه را به طور عمده تا يك صد سال پس از او حفظ کردند، در حالی که شکل فرهنگ خلیل در دوست سال بعدی مورد تقلید دیگران قرار گرفت و از آن به نام «روش خلیل» یاد شد. کتاب العین نه تنها در فرهنگنویسی عرب، بلکه در تاریخ فرهنگنویسی جهان اثری برجسته به شمار می‌آید.

توفیق خلیل در دو زمینه بوده است: شناساندن اندیشهٔ فرهنگنویسی به جهان اسلام و تبلیغ برای درك عمیقتر ماهیت زبان. خلیل شیوهٔ ثبت همهٔ واژگان زبان و تعریف آن را برگزید و بی‌آنکه از روش اعلال و قلب و جداسازی ریشه‌ها بر پایهٔ ردیابی اشتقاقی و صرفی آن منحرف گردد، جای را برای تغییرات و اصلاحات باز گذاشت.

دومین روش عمدهٔ تدوین عبارت است از ترتیب قافیه‌ای که از طریق آن ریشه‌ها بر حسب ستاک‌های نهایی فهرست می‌شود. این روش در قرن یازدهم میلادی [پنجم هجری] آغاز شد و تا قرن نوزدهم [سیزدهم هجری] ادامه یافت، و در این مدت فرهنگنویسان ایرانی و ترك را تحت تأثیر قرار داد. ما آغاز موفقیت‌آمیز آن را مدیون ابونصر اسمعیل بن حماد فارابی جوهری (متوفی در حدود ۳۹۸ ه. ق. / ۱۰۰۷ م.) هستیم. فرهنگ وی به نام تاج اللغة و

حذف تعداد کثیری از واژه‌های فنی محض از آن اجتناب کرده‌اند.

از این پس، مرحله‌ای آغاز می‌شود که می‌توان آن را پایه فرهنگی نویسی نوین انگاشت. کتاب المجیم [ابوعمر و اسحق] شیبانی این ترتیب را با دسته‌بندی کلمات در فصلهای جداگانه بر پایه نخستین حرف ماده اصلی کنار گذاشت، اما ظاهراً این فصلها هیچ ترتیب منطقی ندارند.

به همین ترتیب بود که [احمد] بن فارس رازی بن زکریا (متوفی ۳۹۰ ه. ق. / ۱۰۰۰ م.) الصحاحی فی فقه اللغة خود را [به نام صاحب بن عباد] تألیف کرد و اصول اساسی همه جوانب مطالعات زبانشناسی را توضیح داد. این فارس بسیاری از مختصات اقسام واژه‌های عربی مخصوصاً مجاز، کاربرد جمع و مفرد، ردیابی طولانی اشتقاقی فعل به منظور رساندن مفهوم جامع و غیره را مورد بحث قرار داد. در واقع این فرهنگ يك نوع دایرة المعارف واژه‌نامه نویسی عرب است. وی حروف الفبا را به عنوان محیط دایره‌ای به حساب آورد که حرکت پیرامون آن تنها در جهت حرکت عقربه ساعت امکان پذیر است. اما وی کار خود را به زبان معمول آن روزگار محدود ساخت و نوادر را حذف کرد. حتی آثار زمخشری که همراه با آثار دیگران در حد وسط ترتیب کوفی و ترتیب نوین قرار دارند، رضایت بخش نبود.

بطرس البستانی [بوستانی؟] و سعیدالشرتونی آغاز به پروراندن آن اندیشه در ذهن خود کردند که بر پایه فرهنگی اروپایی «نوین» خوانده می‌شود. در واقع زمخشری اثر خود را بر حسب حرف دوم ریشه آنها در فصول جداگانه - نه چندان مرتب - مدون کرد؛ وی معانی مجازی و مشتقات هر ریشه بخصوص را آورد و ریشه‌های نادر را حذف کرد. کلمات را به عنوان اندامهای زنده که تحت تأثیر کاربرد خود قرار می‌گیرند، در فرهنگ ثبت نمود. به عنوان يك فرهنگ نویسی، او تنها ترتیب ممکن را که واقعاً ساده بود، انتخاب کرده بود.

تأثیر فرهنگی در کشورهای همسایه

واضح است که فرهنگی در قرون وسطی يك رشته بسیار مطلوب و ابرومند علوم عربی بود و در زندگی فرهنگی اعراب نقش بسزایی داشت و فرهنگی اقوام دیگر مسلمان مانند ایرانیان، ترکان و هندیان را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. فرهنگی عرب اساس کار خاورشناسان بعدی مانند «فریتاک» و «لین» در تدوین لغات عربی بود. این شیوه اگرچه شاید به طور مستقیم تکامل

صحاح العربیه با همان سرشتی به وجود آمد که فرهنگ آگرون عبری تألیف يك نفر یهودی مصری به نام سعد یا [بن یوسف] فیومی. فرهنگ صحاح اولین واژه‌نامه عربی بود که بر حسب يك نظام ساده واحد ترتیب یافت و در آن ترتیب عادی الفبای حروف رعایت شده بود تا يك فرد عادی که در دانش زبانشناسی عرب تبحر نداشته باشد، از آن به صورت يك کتاب مرجع و مفید استفاده کند. مؤلف ادعا کرد که فقط لغات صحیح مشمول این فرهنگ است و در نتیجه يك ترتیب تازه ریشه‌ای را که بر حسب ستاک‌های نهایی آنها بود، با این فرهنگ آغاز کرد. وی تقسیم بندی سنتی فرهنگها را مبنی بر درازای ستاک‌های نهایی ترك کرد و ریشه‌های محکم را از ریشه‌های ضعیف جدا نکرد. یکی دیگر از ابداعات جوهری این بود که آوانگاری کلمات و علایم دیگر اشتقاقی را آنجا که واژه‌ها از يك اصل معروف و معمول فرق می‌کردند، مشخص نمود و از کلمات آشنا به عنوان نمونه و مدل استفاده کرد. از خصوصیات صحاح شواهد موجز و گویای شعر و نثر عربی صحراست.

می‌توان گفت که نویسندگان لسان العرب و قاموس ضمن آوردن بعضی اصلاحات جزئی و خاص خود، تأثیر جوهری را بر فرهنگی عرب دوام و قوام بخشیدند.

کتاب لسان العرب تألیف ابن منظور و یا ابن مکرم (۶۲۹ - ۷۱۱ ه. ق. / ۱۲۳۲ - ۱۳۱۱ م.) تدوین نه آن لغاتی است که ریشه آنها با شواهد گویا و رسامورد استفاده یا استناد است. تعریف واژه‌ها کامل است و ابهامی در کار نیست. مثالهای متعددی از قرآن کریم، سنت، شعر و ضرب‌المثل عربی هم آمده است. لسان [العرب] هنوز هم آن منبع عمده‌ای است که می‌توان آن را با فرهنگ بزرگ انگلیسی آکسفورد مقایسه کرد.

قاموس، تألیف فیروزآبادی (۷۲۷ - ۸۱۷ ه. ق. / ۱۳۲۶ - ۱۴۱۴ م.) معروف به القاموس المحيط از صفات متعددی برخوردار است. ایجاز همراه با جامعیت و وضوح، دلالت واضح مصوت و کاربرد اختصارات از مختصات این فرهنگ است، اما در عین حال کلمات فنی فراوان به ویژه اعلام جغرافیایی و اسامی خاص نیز در آن آمده است. و این مشکلی است که تدوین کنندگان فرهنگ زبان انگلیسی معاصر برای دانش اندوزان پیشرفته با

فرهنگ‌نویسی نوین اروپایی را تحت تأثیر قرار نداد، اما بخشی از بنیادهای فرهنگ‌نویسی دورهٔ رنسانس را پایه گذارد.

باید یادآور شد که به دنبال فتح ایران به دست اعراب، زبان محلی يك چندی به بوتهٔ فراموشی سپرده شد. بعدها زبان فارسی نقش عمده در زمینهٔ ادب و فرهنگ‌نویسی عرب ایفا کرد. از نمونه‌های موجود فرهنگ‌های فارسی یکی لغت فرس اسدی طوسی است که در آن ترتیب قافیه‌ای جوهری رعایت شده است. فرهنگ‌های بعدی بیشتر در هندوستان نوشته شده که ترتیب نوین الفبایی در آنها مورد نظر بوده است.^{۱۲}

تاکنون معمولاً شکل فرهنگ‌نویسی ترك این بوده که واژه‌های عربی و فارسی معمول در آن زبان را توضیح دهند و به عبارت دیگر فرهنگ‌های عربی و فارسی را ترجمه کنند. این تراجم تا حدی تحت تأثیر صحاح و قاموس انجام می‌گرفتند و بعدها زمینه را برای به وجود آمدن فرهنگ‌نویسی نوین ترك فراهم ساخته‌اند.

اگرچه فرهنگ‌نویسی عبری و سریانی از تأثیر عربی برخوردار بوده، اما این تأثیر پذیری در نوع غیر محسوس و کلی بوده است. بعلاوه، احتمالاً این نفوذ جنبهٔ متقابل داشته است زیرا مفسران یهودی اغلب به زبان عربی اما به خط عبری می‌نوشتند.

در زمینهٔ فرهنگ‌نویسی، خاورشناسان اروپایی از محتویات فرهنگ‌های قدیم عربی بخصوص صحاح و قاموس پیروی بسیار نزدیکی کردند اما به منظور تطبیق آن با ترتیب جدید، اصلاحاتی نیز انجام دادند. اکنون دیگر زمان عوض شده بود و هرمن گستاو اوگوست فیشر^{۱۳} (۱۸۶۵-۱۹۴۹ م.) بر آن عقیده بود که تنها عرضهٔ محتویات فرهنگ‌های عربی بسنده نیست. آنچه که او می‌خواست، فرهنگ عربی، بر پایهٔ ترتیب تاریخی بود که این خواست بر نیامد. اما زاگوبس گولیوس^{۱۴} (۱۵۹۶-۱۶۶۷ م.)، بنیادگذار فرهنگ‌نویسی عربی در اروپا، ادوارد کاستل^{۱۵} (۱۶۰۸-۱۶۸۵ م.)، ژرژ ویلهلم فریتاگ (۱۷۸۵-۱۸۶۱ م.)، آنتوان اسحق دساسی^{۱۶} (۱۷۵۸-۱۸۳۸ م.)، ادوارد ویلیام لین^{۱۷} (۱۸۰۱-۱۸۷۶ م.) و الیاس همه و همه در رشته‌های خود خدمات شایان انجام دادند.

فرهنگ‌نویسی اروپایی

انگیزهٔ فرهنگ‌نویسی اروپایی در رنسانس و نهضت اصلاح طلبی دینی^{۱۸} و ملی‌گرایی نوظهور بود و تحت تأثیر مستقیم فرهنگ‌نویسی نبود. پیش از قرن هجدهم در آنجا تقریباً هیچ فرهنگی وجود نداشت و قسمت عمدهٔ آثار [در زمینهٔ فرهنگ‌نویسی] مشتمل

بر فرهنگ‌های دو زبانی بود.^{۱۹} از میان این فرهنگ‌ها بیشترینشان مربوط به زبان لاتینی بود، اگرچه واژگان انگلیسی - ایتالیایی، و انگلیسی - فرانسه نیز وجود داشت، نهضت اصلاح طلبی دینی به مطالعهٔ انجیل از طریق ترجمهٔ اصل یونانی آن منتج شد. در پایان قرون وسطی، حکومت‌های نیرومند پادشاهی تأسیس گشتند و پادشاهان استفاده از زبانهای محلی را شروع به تشویق کردند. برگردانهای بومی انجیل نیز از این روند پیروی کردند.

روبرت ایته (استیفانوس)^{۲۰} در سال ۱۵۳۹ میلادی يك فرهنگ زبان فرانسه را تألیف کرد که شامل ۲۰ هزار لغت بود و بر مبنای ریشه‌ها ترتیب الفبایی داشت. در ایتالیا فرهنگ لاتینی کاله پینوس^{۲۱} در ریچیو اولین بار در سال ۱۵۰۴ م. انتشار یافت و در چاپهای بعدی آن اصلاح و تجدیدنظر صورت گرفت.

اولین فرهنگ زبان انگلیسی تألیف روبرت کاودری^{۲۲} در سال ۱۶۰۴ م. به چاپ رسید. او ترتیب الفبایی را اختیار و از علایم اختصاری استفاده کرد. فرهنگ‌های بعدی تا قرن هجدهم که با دوران فعالیت بسیار شدید در زمینهٔ فرهنگ‌نویسی در انگلستان مصادف شد، فقط جهت پیدا کردن لغات دشوار به چاپ می‌رسید. از میان آنها فرهنگ زبان انگلیسی تألیف ساموئل جانسن^{۲۳} که در لندن در سال ۱۷۵۵ م. به چاپ رسید، قابل ذکر است. این يك فرهنگ کامل بود زیرا در آن تنها کلمات نادر و یا منتخب نیامده بود. تدوین فرهنگ آکسفورد انگلیسی بر مبنای تاریخی تألیف مورای^{۲۴} که در سال ۱۸۸۸ م. آغاز شده بود، در سال ۱۹۳۳ م. به مرحلهٔ کمال رسید و عنوان آن به فرهنگ آکسفورد دوازده جلدی انگلیسی^{۲۵} تغییر یافت، این فرهنگ همپایهٔ لسان [العرب] بود.

در سال ۱۴۹۲ م. مسلمانان از اسپانیا بیرون رانده شدند. فرهنگ زبان اسپانیولی^{۲۶} که فرهنگستان اسپانیا مسئول تدوین بود، نخست بین سالهای ۱۷۲۶ و ۱۷۳۹ م. در شش مجلد منتشر شد. این فرهنگ با اصلاحات بعدی، از آثار معتبر به شمار می‌آید. در آلمان انتشار فرهنگ آلمانی برادران گریم^{۲۷} از سال ۱۸۵۴ م. شروع شد، اما این کار هیچ وقت به اتمام نرسید.

در آمریکا فرهنگ زبان انگلیسی جانسن^{۲۸} تا سال ۱۸۲۸ م. یعنی سال انتشار فرهنگ آمریکایی زبان انگلیسی تألیف نواه وبستر^{۲۹} رواج داشت و امروز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتیجه

وقتی فرهنگنویسی عربی، با آنچه به وسیله اقوام دیگر در گذشته انجام شده، و با آنچه از آن زمان به این طرف در اروپا به عمل آمده است، مقایسه گردد، بناچار باید گفته شود که فرهنگنویسی عربی شاهکار فکر و تلاش و کوششی است که شایستگی بهترین توصیفات را دارد. در پایان این مقال می توان از ژان ا. های وود^{۲۱} نقل قول کرد که گفته بود: «... تنها ملتی با معیار بسیار عالی فرهنگ و ادب گسترده می توانست به فرهنگی مانند لسان و قاموس نیاز پیدا کند و تنها دانشمندان واقعاً ممتاز و برجسته می توانستند آنها را فراهم آورند». بدون این همه فرهنگها و واژه نامه هایی که بررسی شد، قسمت عمده ادب عرب - حتی برای خود اعراب - نامفهوم و درک بسیاری از واقعیات مربوط به اسلام در پرده ابهام می ماند و علوم و معارف اسلامی سخت کاستی می گرفت؛ شاید بجا باشد اگر بگویم روحیه اعراب به گونه ای آرمانی با فرهنگنویسی بسیار همساز بوده است.

۹ و ۱۰. بطرس البستانی (۱۸۹۸-۱۹۶۹ م.) از ادیبان بزرگ لبنان است، لیکن واژه نامه ای درباره زبان عرب ندارد. آن عبدالله البستانی (۱۸۵۴-۱۹۳۰ میلادی م.) از بستگان بطرس است که واژه نامه ای به نام البستان نگاشته است. و اما سعید الشرتونی (۱۸۶۴-۱۹۱۲ م.) مؤلف فرهنگ اقرب الموارد است. - مترجم.

11. Freytag 12. Lane

۱۳. روش الفبایی نسبتاً متأخر و تداول آن از قرن دهم به بعد است و فرهنگهایی از این دست از حدود قرن دهم به بعد تألیف یافته است مانند برهان قاطع، آنتسدرج وامثال اینها. - مترجم.

14. Herman Wilhelm Gustav August Fischer

15. Jacobus Golius 16. Edward Castell

17. Antoine Isaac Desacy 18. Edward William Lane

۱۹- ظاهراً مقصود نویسنده، الیاس انطون الیاس، فرهنگنویس معروف و معاصر عرب است که در اوایل قرن بیستم به تألیف فرهنگهای دو زبانی عرب پرداخت. - مترجم.

20. The Reformation

۲۱. در مورد فرهنگهای فارسی - اروپایی، ر. ک. به مقاله ایرج افشار، در لغتنامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۷۳. - مترجم.

22. Robert Etienne (Stéphanus)

23. Calepinus 24. Robert Cawdrey 25. Samuel Johnson

26. J. [A.] H. Murray's *A New Oxford English Dictionary on Historical Principles*

27. *The Oxford English Dictionary* (12 vols.)

28. *Dictionario De La Lengua Espano*

29. Grimm Brother's *Deutsches Worterbuch*

30. Johnson's *A Dictionary of the English Language*

31. Noah Webster's *American Dictionary of The English Language*

32. John A. Haywood

1. Erh ya 2. Shuo wen 3. Hsu shen

4. Aristarchus of Samothrace

5. Varro's *De Lingua Latina*

6. Agron 7. *Oxford English Dictionary*

8. *Advanced Learner's Dictionary of Current English*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ